

عاشق که شد که یار به حالش نظر نکرد

ای خواجه درد نیست وگرنه طبیب هست ...

چه سخت است پدر داشته باشی و یتیمت بخوانند! چه سخت است پناه داشته باشی و بی پناهت بدانند! چه جان گاه است دستگیر داشته باشی و دستهایت سرگردان بمانند ...!

... تو بگو وقتی که جانم در عطشت بال بال می‌زند به کجا روم؟ تو بگو وقتی قامتت در حال شکستن است به کجا تکیه دهم؟ ... به این در و دیوار سرد و بی جان نگاه نکن. این خانه که مأوای من نیست، زندان من است ... به این شهر پر هیاهو و لبریز از آدم منگر، این شهر که پناهگاه من نیست. سیاهچال من است!

وقتی صدای گام‌هایت در این شهر شنیده نمی‌شود، وقتی سایه ی مهربانت از روی دیوار یک خانه از این هزار خانه دیده نمی‌شود، چه دلخوشی؟ چه دلگرمی؟ چه شادمانی؟ ای پدر، ای دلبر، ای سرور، **دلیم آب شد از بی کسی؟ باور کن! ...**

ای پناه عالم این دوری و دریدری برای ما بس است، با پناهگاهی که بوی تو را بدهد، بر این جگر پاره پاره مرهمی بگذار ...

تا کی هر شام چهارشنبه دل گرفته ام هوای «مسجد سهله» را کند و راه دراز و گاهی بسته ی آن قلبم را بگدازد؟ ای سرور زمین و آسمان! اگر مستحق دیدار و ظهور تو نیستم، باشد اما به این دلتنگی های جگر خراش ما رحم کن و در همین سرزمین مکانی را نشان بده که در آن مکان بوی تو را استشمام کنیم، سایه ی گرم تو را احساس کنیم و غبار یتیمی را با دستان مهربان تو از سر خود پاک نماییم و دلگرم باشیم که پدرمان این پناهگاه را برای فرزندان دربر خود ساخته و بنا نموده و برای سرکشی، گاه گاهی به آنجا سر

<sup>۱</sup> - با استفاده از متن توزیع شده در نمایش نشانی جمکران - کاری از گروه فرهنگی مسلم

خواهد زد، گاه گاهی به آن جا قدم خواهد گذاشت، گاه گاهی در آنجا نفس خواهد کشید و فرزندان یتیمش بی آنکه پدر را ببیند، صدای نفس های گرم پدر را می شنوند. بوی دل انگیزش را استشمام می کنند و سایه ی مهربانش را با تمام وجود بر سر خود احساس می نمایند ...

نیمه شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال سیصد و نود و سه است. جماعتی در خانه ی «حسن بن مثله جمکرانی» را می کوبند و وی را می طلبند: ای حسن! برخیز و دعوت امام و مولایت حجه بن الحسن را اجابت کن! ... شیخ حسن هراسان از جای برمی خیزد و شتابان همراه فرستادگان حضرت می رود تا آن که به قطعه زمینی از اراضی اطراف شهر قم می رسد. در آن جا به حضور امام شرفیاب می شود و آن گاه فرمان ساختن مسجدی را در همان موضع دریافت می دارد: "این زمین، زمین شریفی است و حق تعالی آن را برگزیده و بزرگ گردانیده است ... زمانی که عمارت مسجد بنا شد به مردم بگو که به این مکان رغبت نشان دهند و آن را عزیز شمارند ... بگو در این مسجد چهار رکعت نماز بگذارند، دو رکعت نماز تحیت مسجد و دو رکعت نماز صاحب الزمان ..."<sup>۲</sup>

اینک «مسجد جمکران» وعده گاه چشم انتظاران آن غریب سفر کرده است. هموکه هر صبح و شام انتظار می کشد تا خداوند او را اذن خروج دهد. زائر این مسجد اگر آرزوی همراهی او را به سر دارد، باید که انتظار خود را با **حَسَن خَلْق و پلید شمردن نافرمانی خداوند** جامه حقیقت بپوشاند، چرا که امام صادق علیه السلام فرموده اند: مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ. فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ. فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ أَيَّتْهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ<sup>۳</sup>

<sup>۲</sup> - ماجرای ساخت مسجد جمکران در این منابع حکایت شده است: نجم الثاقب میرزا حسین طبرسی نوری حکایت اول - العتبری الحسان تألیف شیخ علی اکبر نهاوندی، ج ۲، ص ۱۴۳.

<sup>۳</sup> - غیبه نعمانی/ ۲۰۰

هرکه دوست دارد از یاران قائم باشد باید انتظار کشد و از گناه پرهیز کند و اخلاقی نیکو داشته باشد. پس اگر چنین کسی پیش از قیام قائم در گذرد، پاداشی دارد مثل پاداش کسی که قائم را درک کرده باشد. پس ای گروهی که مورد رحمت واقع شده‌اید، کوشش کنید و منتظر بمانید که گوارایتان باد .

### یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشید

#### شاید که نگاهی کند، آگاه نباشید

انسان وقتی کسی را دوست می دارد. به اندازه ی محبتش نسبت به او، از یاد او غافل نمی‌شود. اهل ایمان و معرفتِ امام علیه السلام در زمان غیبت ایشان که از دیدن ظاهری آن حضرت محروم هستند، هرگز یاد او را از فراموش نمی کنند و آنانی که ایمانی ضعیف دارند، در یاد آن حضرت نیز ضعف و سستی به خرج می‌دهند. «ذکر» امام هم به یاد او بودن است و هم یاد کردن از اوست. اولی یک عمل قلبی است و دومی یک عمل خارجی. اولی برای خود انسان است و دومی هم برای خود فرد است و هم برای دیگران.

... ولا تُنسنا ذِکره<sup>۴</sup> (خدایا) ... ما را از فراموش کردن یاد او حفظ فرما.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: واللّه لیغیبن غیبه<sup>۵</sup> لاینجو فیها من الهلکه الا من ثبته الله عزو جل علی القول بامامته و وقفه للدعا بتعجیل فرجه. <sup>۵</sup>به خدا سوگند که او غیبتی خواهد نمود که در آن از هلاکت رهایی نیابد مگر کسی که خدای عز و جل او را بر اعتقاد به امامت او پایدار و ثابت قدم بدارد و توفیق دهد که دعا بر تعجیل فرجش کند.

<sup>۴</sup> - قسمتی از دعای بعد از نماز عصر روز جمعه و مفاتیح الجنان

<sup>۵</sup> - مکیال المکارم / محمدتقی مولوی اصفهانی ج ۲ ص ۳۰۸